

بررسی رابطه تغییر مالکیت با کیفیت حسابرسی

محمدحسین ودیعی^۱

محمدعلی باقرپور ولاشانی^۲

حسین سیفی قبادی^۳

تاریخ دریافت: ۹۶/۴/۲۳

تاریخ پذیرش: ۹۶/۸/۲۷

چکیده:

پژوهش‌های بسیاری کیفیت بالای حسابرسی را به عنوان یک عامل اصلی که بر اعتبار اطلاعات صورت‌های مالی می‌افزاید، تأیید کرده‌اند. یکی از عواملی که بر کیفیت حسابرسی تأثیر گذار است تغییر مالکیت (خصوصی سازی) می‌باشد. از این رو این مطالعه به بررسی تأثیر تغییر مالکیت شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بر کیفیت حسابرسی می‌پردازد. در این تحقیق از معیارهای اقلام تعهدی اختیاری به عنوان شاخص کیفیت حسابرسی استفاده شده است. پس از اعمال محدودیت‌های نمونه گیری، تعداد ۳۵ شرکت از بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۹ که بیشتر از ۲۰ درصد (نفوذ قابل ملاحظه) سهام آن از طرف سازمان خصوصی‌سازی واگذار شده بود، مورد بررسی قرار گرفت. برای بررسی فرضیه‌های تحقیق از تحلیل مدل‌های رگرسیونی استفاده گردید، و از آزمون‌های چاو به منظور انتخاب بین مدل‌های ترکیبی، آثار ثابت استفاده شده است. همچنین، شاخص‌های مورد نظر در سه سال قبل (۱۳۷۹) و سه سال بعد از واگذاری (۱۳۹۲) مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها با استفاده از مدل رگرسیون ترکیبی نشان می‌دهد که واگذاری سهام شرکت‌های بورسی از طرف سازمان خصوصی‌سازی، کیفیت حسابرسی این شرکت‌ها را افزایش می‌دهد. همچنین با افزایش درصد مالکیت انتقال یافته کیفیت حسابرسی نیز بهبود می‌یابد.

کلمات کلیدی تغییر مالکیت، خصوصی سازی، کیفیت حسابرسی، اقلام تعهدی اختیاری

۱- دانشیار حسابداری دانشگاه فردوسی مشهد

۲- دانشیار گروه حسابداری دانشگاه فردوسی مشهد و عضو گروه تحقیقات حاکمیت شرکتی دانشگاه ملی استرالیا

۳- کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول) Hosein_seyfighobadi@yahoo.com

۱- مقدمه

به منظور شناخت مفاهیم و عوامل متعدد تاثیرگذار بر کیفیت حسابداری مطالعات گوناگونی توسط پژوهشگران انجام گرفته است؛ تا رابطه بین کیفیت حسابداری و متغیرهای دیگر کشف شود. دانشمندان حسابداری در پژوهش‌های خود کیفیت بالای حسابداری را به عنوان یک عامل اصلی که بر اعتبار اطلاعات صورت‌های مالی می‌افزاید، تأیید کرده‌اند (ژوریت ۱، ۲۰۱۱). این می‌تواند انگیزه‌ای برای پژوهش‌های بیشتر و عمیق‌تر در زمینه کیفیت حسابداری و عواملی که ممکن است آن را تحت تأثیر قرار دهد باشد.

یکی از عوامل کلیدی نهادی تاثیرگذار بر رفتار شرکت‌ها، نقش دولت در حرفه و تجارت است در ادبیات حسابداری به صورت خیلی کمی به این موضوع پرداخته شده است؛ تنها تعداد کمی از مطالعات، شواهد غیر مستقیم از چگونگی دخالت دولت در شرکت برای کیفیت حسابداری را نشان می‌دهد (وانگ و همکاران ۲، ۲۰۰۸). بوشمن و همکاران ۳ (۲۰۰۴)، نشان می‌دهند کیفیت گزارشگری مالی در یک کشور با اقتصاد سیاسی مرتبط است، از دیگر سوی تغییر مالکیت در پی واگذاری‌های شرکت‌های دولتی مشکلات جدی نمایندگی را بوجود می‌آورد (گدامی و همکاران ۴، ۲۰۰۹)، و با به وجود آمدن مسائل نمایندگی نقش نظارت بر بنگاه تجاری برای مالکان شرکت مهم و اساسی می‌شود.

سطح بالای مالکیت دولتی یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد ساختار مالکیت در بازار سهام ایران و همچنین در بازار بسیاری از اقتصادهای در حال گذار است. وجود سطح بالای مالکیت دولتی یک سری از مشکلات نمایندگی را بوجود می‌آورد، مانند راهبری شرکتی بی اثر، که در شرکت‌های بزرگ به طور مستقیم منجر به عملکرد ضعیف شرکت، و تقاضای کمتر برای حسابرس مستقل به منظور تأمین اطلاعات حسابداری با کیفیت می‌شود (چان و همکاران، ۲۰۰۷). مالکان نهادی ممکن است انگیزه‌های قوی برای دستکاری صورت‌های مالی به منظور پنهان کردن اطلاعات مربوط به عملکرد واقعی شرکت را داشته باشد (گدامی و همکاران، ۲۰۰۷). از این رو تئوری نمایندگی نشان می‌دهد که ساختار مالکیت شرکت، بر تقاضا برای حسابداری خارجی تأثیر می‌گذارد.

در پی واگذاری‌های انجام شده شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در راستای اصل ۵۴۴ توسط سازمان خصوصی سازی و تغییرات صورت گرفته در مالکیت این شرکت‌ها این سؤال به ذهن متبادر می‌شود که این تغییر مالکیت چه تأثیری بر کیفیت حسابداری این شرکت‌ها داشته است. در این تحقیق تأثیر تغییر مالکیت ۶ که در راستای سیاست‌های کلان اقتصادی نظام جمهوری اسلامی ایران و اصل ۴۴ قانون اساسی و برای شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران صورت گرفته است، بر کیفیت حسابداری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

به عبارت دیگر، می‌توان سؤال اصلی را این گونه مطرح کرد که آیا تغییر مالکیت رابطه معناداری با کیفیت حسابداری دارد؟ و اینکه، آیا درصد مالکیت انتقال یافته رابطه معناداری با کیفیت حسابداری دارد؟

در ادامه پس از بیان مبانی نظری تحقیق، خلاصه‌ای از ادبیات موضوع مطرح و فرضیات تشریح

گردیده و پس از ارائه مدل تحقیق، به تشریح متغیرهای مورد استفاده در پژوهش پرداخته می‌شود. در بخش‌های بعد روش تحقیق، جامعه و نمونه آماری و یافته‌ها، مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار گرفته و پیشنهاداتی مبتنی بر تحقیق و ارائه می‌گردد.

۲- مبانی نظری و بسط فرضیه‌های تحقیق

واژه «کیفیت حسابداری» برای حسابرسان و استفاده کنندگان صورتهای مالی معانی متفاوتی دارد. استفاده کنندگان زمانی حسابداری را با کیفیت تلقی می‌کنند که اطمینان دهد صورتهای مالی فاقد هرگونه اشتباه و تقلب است (چن و همکاران، ۲۰۰۵). در تعریفی کاربردی، کریشنان و شوئر (۲۰۰۰)، میزان تطابق اجرای عملیات حسابداری با استانداردهای حسابداری را کیفیت حسابداری می‌دانند. در مقابل پژوهشگران، از ابعاد گوناگون، تعاریف متفاوتی را برای کیفیت حسابداری ارائه کرده‌اند که در ادامه به رایج‌ترین آنها اشاره می‌شود:

مشهورترین تعریف از کیفیت حسابداری توسط دی‌آنجلو (۱۹۸۱) مطرح شده است؛ وی کیفیت حسابداری را ارزیابی بازار از احتمال اینکه حسابرس تحریفات با اهمیت صورتهای مالی را کشف و آنها را گزارش کند، می‌داند. احتمال کشف تحریفات با اهمیت، به «شایستگی» و احتمال گزارش موارد کشف شده به «استقلال» حسابرس ارتباط پیدا می‌کند. در تعاریف دیگر، صحت اطلاعات گزارش شده توسط حسابرس (تیتمن و ترومن ۱۹۸۶)، اندازه گیری توانایی حسابداری برای کاهش جهت دهی، اصلاح و دستکاری اطلاعات حسابداری (از جمله مدیریت سود) همچنین کشف و رفع تحریفات با اهمیت را کیفیت حسابداری می‌دانند (دیوید سان و نئو ۱۰، ۱۹۹۳). هان ون و همکاران (۲۰۰۸) حسابداری را نوعی نظارت می‌دانند که به منظور کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و جلوگیری از اعمال نفوذ مدیران در گزارشگری مالی در شرکت‌ها استفاده می‌شود. اکثر تعاریف به رغم تفاوت‌ها، برخی از ویژگی‌های تعریف دی‌آنجلو را بیان می‌کنند.

۳- عوامل مؤثر بر کیفیت حسابداری

از آنجا که عوامل بسیاری بر کیفیت حسابداری تأثیر می‌گذارد، تعیین چارچوبی برای تبیین کیفیت حسابداری، موضوعی با اهمیت محسوب می‌شود. در این بخش به عمده‌ترین عامل‌های مؤثر بر کیفیت حسابداری اشاره می‌شود.

۳-۱- تغییر در مالکیت

تئوری نمایندگی نشان می‌دهد که ساختار مالکیت شرکت بر تقاضای برای حسابداری با کیفیت تأثیر می‌گذارد (چن و همکاران، ۲۰۰۷؛ واتس و زیمرمن ۱۲، ۱۹۸۶). وجود سرمایه گذاران متنوع در ساختار مالکیت شرکت، نقش مهمی در نظارت بر عملیات بنگاه ایفا می‌کند. از عوامل مهم این اعمال نظارت مؤثر، کیفیت بالای حسابداری می‌باشد. کیفیت حسابداری ارزش قابل توجهی را به صورتهای مالی شرکت در بازارهای سرمایه می‌افزاید، چرا که اغلب استفاده کنندگان، از صورتهای مالی حسابداری شده به عنوان پایه اصلی برای تصمیمات اقتصادی خود استفاده می‌کنند.

واکنش‌های متفاوت استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی حسابرسی شده، در مقابل سطوح کیفیت حسابرسی‌های انجام شده توسط تحقیقات بسیاری به اثبات رسیده است (ژوریت، ۲۰۱۱). تقاضا برای حسابرسی‌های با کیفیت بالاتر با عدم تمرکز مالکیت و عدم وجود نظارت مؤثر توسط مالکان، که رشد هزینه‌های نمایندگی ۱۳ را در بر دارد، افزایش می‌یابد (ازیبی و همکاران، ۲۰۱۰). همچنین مطالعات در این زمینه، تأثیر ساختار مالکیت، نوع مالکیت و تمرکز مالکیت بر نحوه انتخاب حسابرس و به تبع آن سطح کیفیت حسابرسی را به اثبات رسانده است (چان و همکاران ۲۰۰۷؛ ۱۴؛ گدامی و پیتمن ۲۰۰۶، ۱۵).

گدامی و همکاران (۲۰۰۷) در پژوهش خود که به بررسی ۱۷۶ مورد خصوصی سازی از ۳۲ کشور جهان پرداختند، به این نتیجه رسیدند که با تغییر مالکیت از دولتی به خصوصی مشکلات جدی نمایندگی ظهور پیدا می‌کند، یافته‌های آنان حاکی از این است که شرکت‌های خصوصی شده در سراسر جهان بیشتر تمایل دارند که از چهار موسسه حسابرسی بزرگ به عنوان مؤسسات با کیفیت حسابرسی بالا استفاده کنند. لئو و سابرانیم (۲۰۱۳) نیز با بررسی تأثیر مالکیت دولتی بر روی قیمت گذاری حسابرسی از بین شرکت‌های چینی در سالهای ۲۰۰۱-۲۰۰۸ به این نتیجه رسیدند که ارتباط معناداری بین نوع مالکیت (دولتی یا غیر دولتی) و انتخاب موسسه حسابرس (بزرگ یا کوچک) وجود دارد. بدین معنا که شرکت‌های با مالکیت دولتی از حسابرسان کوچک و شرکت‌های غیر دولتی از حسابرسان بزرگ (با کیفیت حسابرسی بالا) استفاده می‌کنند. بورگستالر ۱۷ و همکاران (۲۰۰۶) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های خصوصی در مقایسه با شرکت‌های دولتی، مدیریت سود بیشتری داشته (افزایش سطح اقلام تعهدی اختیاری) و این شرکت‌ها در کشورهای دارای سیستم قضایی قوی‌تر، مشارکت کمتری در مدیریت سود دارند. در ایران نیز احمد فلاحی (۱۳۹۳) در پژوهش خود با بررسی ۴۳ شرکت خصوصی شده طی سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۹۲ نشان داد که خصوصی سازی بر کیفیت سود (سطح اقلام تعهدی) تأثیری ندارد.

در پژوهش‌های مشابه دیگر چن و همکاران (۲۰۰۸) و وانگ و همکاران (۲۰۰۸) نیز با مقایسه شرکت‌های دولتی و غیر دولتی در انتخاب حسابرسان در چین به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های دولتی بیشتر از شرکت‌های غیر دولتی از حسابرسان کوچک محلی (با کیفیت حسابرسی پایین) استخدام می‌کنند. آنان بر این باورند که خصوصی سازی انحراف‌های موجود در انتخاب حسابرس شرکت‌های دولتی را اصلاح می‌کند، گرایش برای بکارگیری حسابرسان با کیفیت پایین به منظور تسهیل تبانی، مثالی از این انحرافات است.

با توجه به مبانی نظری تحقیق از جمله مواردی که بر کیفیت حسابرسی تأثیر می‌گذارد تغییر مالکیت از دولتی به خصوصی، عمومی و... می‌باشد. بدین منظور و بر ای پاسخگویی به سؤال اول تحقیق فرضیه اول تحقیق به صورت زیر تبیین می‌گردد:

فرضیه ۱: بین تغییر مالکیت و کاهش اقلام تعهدی اختیاری رابطه معناداری وجود دارد.

از طرفی بوشمن و همکاران (۲۰۰۴) در تحقیق خود دریافتند که هرچه مالکیت سهم دولت بیشتر باشد، شفافیت مالی ضعیف می‌شود. علاوه بر این، بوشمن و پیتروسکی (۲۰۰۶) بیان می‌کنند که شرکت‌ها، در

کشورهای که دولت در اقتصاد بیشتر دخالت می‌کند، گزارش درآمد با محافظه کاری کمتر صورت می‌گیرد. مجتهد زاده و اثنی عشری (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان «رابطه کیفیت سود با نظام راهبری شرکتی و اصلاح قوانین و مقررات در شرکت‌های دولتی واگذار شده از طریق خصوصی سازی» با بررسی اطلاعات ۳۸ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره ۱۳۸۲-۱۳۸۹ نشان دادند که، کلیه سازو کارهای نظام راهبری شرکتی و تغییر بستر قانونی با محتوای اطلاعاتی سود؛ تمرکز مالکیت، استقلال هیئت مدیره و مالکیت نهادی با قابلیت پیش بینی کنندگی سود و استقلال هیئت مدیره و نوع حسابرس با اقلام تعهدی بنگاه‌های سابقاً دولتی رابطه معنی داری دارد. از آنجا که هر اندازه از سهم مالکیت دولت در شرکت کاهش یابد، مسائل جدی‌تری در مورد تضاد منافع، نظارت و ترکیب سهامداران رخ خواهد داد (چان و همکاران، ۲۰۰۷؛ بوشمن و همکاران، ۲۰۰۴)، انتظار می‌رود که با افزایش میزان انتقال مالکیت سهام دولتی شرکت توسط سازمان خصوصی سازی، سطح اقلام تعهدی شرکت به دلیل اعمال نظارت بیشتر توسط افراد حقیقی و یا حقوقی، بیشتر کاهش یابد. که منجر به تبیین فرضیه دوم تحقیق می‌شود.

فرضیه ۲: بین میزان تغییر مالکیت و کاهش اقلام تعهدی اختیاری، رابطه معناداری وجود دارد.

۳-۲- اندازه شرکت صاحبکار

در مورد تأثیر اندازه شرکت بر کیفیت حسابداری و مدیریت سود نظرات مختلفی وجود دارد، شرکت‌های بزرگتر به دلیل اینکه بیشتر در دید و نظارت عموم هستند انگیزه کمتری برای هموار سازی سود دارند. هرچند اگر اوال و چندها (۱۸، ۲۰۰۵)، بیان کردند که شرکت‌های بزرگتر انگیزه بیشتری برای هموار سازی سود دارند. شواهد نشان می‌دهد با افزایش نیاز کنترلی، شرکت‌های صاحبکار تمایل بیشتری به استفاده از حسابرسان با کیفیت بالاتر دارند. همچنین، با افزایش اندازه، اهرم بدهی و عدم تقارن اطلاعاتی، تقاضا برای حسابداری افزایش می‌یابد. وقتی شرکت‌ها بزرگتر می‌شوند، میزان احتمال انتقال ثروت نیز افزایش یافته و در نتیجه نیاز به کنترل و نظارت افزایش می‌یابد. بنابراین تقاضا برای حسابداری با کیفیت‌تر افزایش خواهد یافت.

۳-۳- اهرم مالی

پژوهش‌ها ارتباط مستقیم بین، نسبت بدهی‌های سازمان سازمان با تغییر در کیفیت حسابداری را تأیید کرده‌اند (دفوند، ۱۹۹۲). سرمایه‌گذاران و اعتبار دهندگان، کنترل کنندگان فعل سازمان هستند و با افزایش سهم مالکیت و اهرم مالی هم سرمایه‌گذاران و هم اعتبار دهندگان انگیزه‌های بیشتری برای کنترل رفتار سازمانی پیدا می‌کنند و با افزایش میزان مطالباتشان از شرکت صاحبکار تقاضای حسابداری با کیفیت‌تر را خواهند داشت. زیرا بستانکاران جهت حفظ هر چه بیشتر منافع خویش و آگاهی آنان از این مسئله که مالکان درصدد انتقال ثروت هستند، مبادرت به تحمیل این هزینه انتظاری از طریق مطالبه بهره بالاتر را خواهند کرد و مالکان نیز از آگاهی بستانکاران مطلع هستند و برای اینکه بستانکاران را از باب عدم انتقال ثروت مطمئن کنند، تقاضای دریافت خدمات

حسابرسی مستقل می‌کنند و به تبع آن حسابرس مستقل با کیفیت تری را انتخاب خواهند نمود.

۳-۴- اندازه موسسه حسابداری

از دیدگاه حسابرسان، اندازه موسسه حسابداری یکی از ویژگی‌هایی است که بر کیفیت حسابداری اثر دارد. دی آنجلو (۱۹۸۵) معتقد است که مؤسسات حسابداری بزرگتر، خدمات حسابداری را با کیفیت بالاتری ارائه می‌کنند، زیرا علاقمند هستند که شهرت بهتری در بازار کار بدست آورند و از آنجا که تعداد مشتریان‌شان زیاد است نگران از دست دادن آنها نمی‌باشند. تصور بر این است که چنین موسساتی به دلیل دسترسی به منابع و امکانات بیشتر برای آموزش حسابرسان خود و انجام آزمون‌های مختلف، خدمات حسابداری را با کیفیت بالاتر ارائه می‌کنند (مجتهدزاده و آقایی، ۱۳۸۳).

۴- روش تحقیق

این مطالعه از لحاظ تئوری در حوزه تحقیقات اثباتی حسابداری و مبتنی بر اطلاعات واقعی صورت‌های مالی شرکت‌ها می‌باشد. از نظر هدف، جزء تحقیقات کاربردی تلقی می‌شود و از آنجا که در این پژوهش به دنبال بررسی تأثیر تغییر مالکیت به عنوان متغیر مستقل و کیفیت حسابداری به عنوان متغیر وابسته می‌باشد روش مورد نظر برای انجام آزمون فرض‌های این پژوهش، همبستگی و با استفاده از اطلاعات گذشته است.

۵- جامعه و نمونه تحقیق

نمونه این تحقیق با توجه به موضوع آن، از انواع نمونه‌گیری هدفمند (قضاوتی) است که در آن شرکت‌ها با توجه به محدودیت‌های ذکر شده در ذیل از بین مجموعه‌ای از شرکت‌های بورسی مشمول اصل ۴۴ و واگذار شده از طرف سازمان خصوصی سازی انتخاب شده‌اند، که طی سال‌های ۱۳۸۲ الی ۱۳۸۹ واگذار شده است. یادآور می‌شود، برای انتخاب شرکت‌های بورسی واگذار شده که بیش از ۲۰ درصد آن از طریق سازمان خصوصی سازی واگذار شده است، در طی قلمرو زمانی تحقیق تعداد ۸۲۴ مورد واگذاری از طریق سازمان خصوصی سازی به روش‌های مختلف از جمله، بورسی، فرا بورسی، مذاکره، سهام عدالت، رد دیون و به صورت‌های تدریجی، ترجیحی و سهام بلوکی انجام شده است که از این بین تنها موارد شرکت‌های بورسی به صورت‌های گفته شده (تدریجی، ترجیحی و بلوکی) و به صورت انباشته طی دوره واگذاری گردآوری شده است که به ۴۳۱ مورد واگذاری بالغ می‌گردد. و بقیه واگذاری‌ها به شکل سایر روش‌ها (فرا بورسی، مذاکره، سهام عدالت، رد دیون) صورت پذیرفته است. نهایتاً تعداد ۱۰۱ شرکت در طی قلمرو زمانی تحقیق بالای ۲۰ درصد واگذار شده است که از این بین تنها ۳۵ شرکت، بورسی و اطلاعات آنها در دسترس می‌باشد. به منظور مشاهده آثار واقعی تغییر مالکیت، متغیرهای تحقیق برای دوره زمانی سه سال قبل (۱۳۷۹) و سه سال بعد از واگذاری (۱۳۹۲) گردآوری شده‌است. به این منظور برای تعیین نمونه مورد مطالعه، شرکت‌هایی از جامعه یادشده انتخاب می‌شوند که: شرکت در زمان یاد شده مشمول اصل ۴۴ قانون اساسی باشد.

حداقل ۲۰ درصد از سهام در اختیار دولت شرکت توسط سازمان خصوصی سازی، واگذار شده باشد. اطلاعات مورد نیاز شرکت برای دوره مورد بررسی در دسترس باشد.

۶- روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

توجه به متغیرهای تحقیق، اطلاعات پژوهش مربوط به گزارش‌های سالانه شرکت‌ها می‌باشد، که از منابع مختلفی از جمله لوح‌های فشرده سازمان بورس اوراق بهادار تهران (ره آورد نوین، تدبیر پرداز) و همچنین اطلاعات و لوح اطلاعاتی تهیه شده از سازمان خصوصی سازی گردآوری شده است. سپس به منظور انجام تحقیق و تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزارهای Eviews ۷ و SPSS ۲۰ استفاده شده است.

۶-۱- برآورد مدل رگرسیون چند گانه

برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از رابطه زیر استفاده می‌شود. مدل (۱)

$$DA_{it} = \beta_0 + \beta_1 * OWNERSHIP\ CHANGE + \beta_2 * MB_{it} + \beta_3 * LEV_{it} + \beta_4 * SIZE_{it} + \beta_5 * ROA_{it} + \beta_6 * \Delta AUDIT_{it} + \beta_7 * AUDITTYPE_{it}$$

۶-۲- متغیرهای تحقیق

متغیر وابسته تحقیق، کیفیت حسابداری است که با متغیر ارقام تعهدی اختیاری سنجیده می‌شود. از آنجا که کیفیت حسابداری قبل یا در حین انجام حسابداری قابل مشاهده نمی‌باشد، شاخص‌های مختلفی برای نشان دادن کیفیت حسابداری در تحقیقات معرفی شده‌اند.

یکی از پیچیده‌ترین و پیشرفته‌ترین معیارهای اندازه‌گیری کیفیت حسابداری، ارقام تعهدی اختیاری را از سایر ارقام تعهدی جدا می‌کند. بسیاری از پژوهشگران بر این باورند که این شاخص، معیار مناسبی در جهت اندازه‌گیری کیفیت حسابداری است، زیرا هر اندازه سطح ارقام تعهدی اختیاری بیشتر باشد امکان وجود مدیریت سود در آن واحد تجاری بیشتر است و حسابرس نتوانسته است از بروز آن جلوگیری کند در نتیجه کیفیت حسابداری در سطح پایینی بوده است. سطح ارقام تعهدی اختیاری که در این مطالعه به عنوان یک شاخص برای کیفیت حسابداری در نظر گرفته شده است، با استفاده از «مدل تعدیل شده جونز ۱۹» (ارائه شده توسط دیچو و همکاران، ۱۹۹۵) تعیین می‌شود. بزرگ اصل و غفاریپور (۱۳۹۱) نیز در پژوهش خود با مقایسه مدل‌های پیش‌بینی ارقام تعهدی برای تشخیص مدیریت سود، پنج الگوی رایج برای شناسایی مدیریت سود شامل الگوهای دی‌آنجل (۱۹۸۵)، جونز (۱۹۹۱)، تعدیل شده جونز (۱۹۹۵)، سابرامانیا (۱۹۹۶) و گومز و همکاران (۲۰۰۰) را در برآورد مدیریت سود شرکت‌ها را با هم مقایسه کردند، یافته‌های پژوهش آنها نشان داد که، در شرکت‌های پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران برای شناسایی مدیریت سود، مدل تعدیل شده جونز (۱۹۵۵) توان بیشتری دارد؛ بنابر این در این پژوهش از الگوی تعدیل شده

جوزنر برای تعیین سطح اقلام تعهدی اختیاری استفاده می‌شود. متغیر مستقل تحقیق، تغییر مالکیت، واگذاری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در راستای اصل ۴۴ قانون اساسی و توسط سازمان خصوصی‌سازی به عنوان متغیر مستقل مد نظر می‌باشد. که اگر بیش از ۲۰ درصد سهام (نفوذ قابل ملاحظه) شرکت واگذار شده باشد برای فرضیه اول عدد یک و در غیر این صورت، عدد صفر می‌باشد؛ برای فرضیه ۲ میزان درصد مالکیت تغییر یافته در مدل رگرسیونی جای می‌گیرد. متغیرهای کنترلی تحقیق، از متغیرهای ارزش بازار به ارزش دفتری (MB)، اهرم مالی (LEV)، اندازه شرکت (SIZE)، نسبت بازده دارایی‌ها (ROA)، تغییر حسابرس (AUDIT Δ) و نوع حسابرس (AUDIT TYPE) به عنوان متغیرهای کنترلی تحقیق در نظر گرفته شده‌اند.

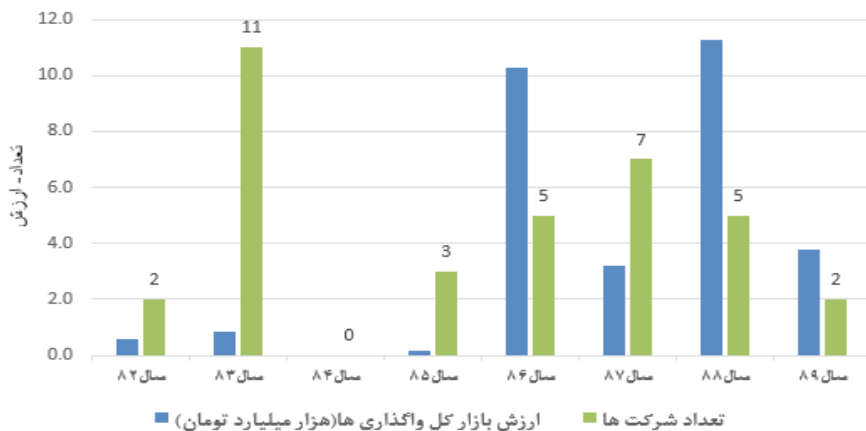
۷- یافته‌های تحقیق

۷-۱- آمار توصیفی

پیش از آزمون فرضیه‌های تحقیق، آمار توصیفی متغیرهای مورد استفاده در تحقیق بررسی می‌شود. نمودار فراوانی واگذاری شرکت‌های مورد مطالعه را در سال‌های مختلف را در نمودار شماره ۱ مشاهده می‌کنید.

سازمان خصوصی‌سازی بیشترین تعداد واگذاری‌های خود را در سال ۸۳ به تعداد ۱۱ مورد با ارزش ۸۳۶ میلیارد تومان انجام داده است که با توجه به واگذاری‌های سال‌های ۸۶ و ۸۸ که هر کدام ۵ مورد واگذاری و به ترتیب ارزش ۱۰ هزار و ۱۱ هزار میلیارد بوده است می‌توان نتیجه گرفت در این سال اقدام به واگذاری واحدها و صنایع کوچک کرده است و در سالهای ۸۶ و ۸۸ صنایع بزرگ و مادر (مثل شرکت مادر تخصصی مخابرات ایران) را واگذار نموده است. لازم به ذکر است که در واگذاری‌های سال ۱۳۸۴ شرکت بورسی که بیش از ۲۰ درصد آن از طرف سازمان خصوصی‌سازی واگذار شده باشد، وجود نداشته است (نمودار ۱).

نمودار ۱ مقایسه تعداد و ارزش شرکت‌های واگذار شده به تفکیک سال



آمار توصیفی ارائه شده در نگاره شماره ۱، میانگین اقلام تعهدی اختیاری قبل و بعد از تغییر مالکیت را به ترتیب برابر ۰,۱۲۳- و ۱۹۲,۰- ارائه می‌دهد که بدون توجه به علامت منفی آنها نشان از افزایش اقلام تعهدی اختیاری و افزایش مدیریت سود (کاهش کیفیت حسابداری) است. علامت منفی نشان از کمتر از واقع نشان دادن سود حسابداری دارد. میانگین اهرم مالی برای دوره قبل از تغییر مالکیت برابر ۵۹۱. و برای دوره بعد از تغییر مالکیت ۶۳۳ می‌باشد و برای متغیرهای نرخ بازده دارایی‌ها، قبل ۱۳۸. و بعد ۱۶۱؛ نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری ۳,۲۱۱ و ۴,۳۱۰ و اندازه شرکت قبل از تغییر مالکیت ۱۲,۵۲۲ و بعد از تغییر صورت گرفته ۱۳,۱۲۹ می‌باشد.

اطلاعات آماری منعکس شده در نگاره شماره ۲، نشان می‌دهد که نوع حسابرس شرکت‌های مورد نظر در دوره ۳ ساله قبل از تغییر مالکیت تعداد ۶۵ سال-شرکت یعنی حدود ۶۱٪ کل مشاهدات مورد بررسی از سازمان حسابداری برای حسابرسی صورت‌های مالی خود استفاده کرده‌اند و ۳۰٪ مشاهده یعنی ۳۹٪ از سایر مؤسسات حسابداری (بخش خصوصی) بهره برده‌اند. همچنین برای دوره ۳ ساله بعد از واگذاری مشارکت سازمان حسابداری برای حسابرسی شرکت به ۵۲ مشاهده یعنی ۴۹٪ کاهش یافته‌است؛ و بقیه شرکت‌های نمونه آماری (۵۳ مشاهده) ۵۱٪ باقی مانده از سایر مؤسسات حسابداری استفاده نموده‌اند.

نگاره شماره ۱: نتایج آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

کمیت آماری متغیر	دوره	میانگین	مینیمم	ماکزیمم	انحراف معیار
اقلام تعهدی اختیاری DA	قبل	-۱۲۳	-۵۹۲	۳۷۱	۱۳۳
	بعد	-۱۹۲	-۵۰۹	۱۷۴	۱۱۱
اهرم مالی LEV	قبل	۵۹۱	۲۴۵	۹۷۱	۱۸۱
	بعد	۶۳۳	۱۶۱	۱,۶۰۶	۲۳۹
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری MB	قبل	۳,۲۱۱	۵۳۹	۲۵,۱۲۱	۴,۱۲۰
	بعد	۴,۳۱۰	۰,۵۶	۳۳,۱۲۴	۴,۷۱۲
درصد نرخ بازده دارایی ROA	قبل	۰,۱۳۸	۹,۲۶۸	۳۴,۴۰۰	۹,۱۱۰
	بعد	۰,۱۶۹	-۲۰,۶۹۴	۵۲,۹۰۴	۱۲,۸۸۷
اندازه شرکت SIZE	قبل	۱۲,۵۲۲	۹,۵۰۶	۱۷,۶۶۰	۲,۲۵۶
	بعد	۱۳,۱۲۹	۷,۹۳۴	۱۷,۸۶۳	۲,۸۷۵

در دوره قبل از تغییر مالکیت ۱۵ مشاهده حسابداری خود را تغییر داده‌اند ولی بعد از تغییر مالکیت این تعداد تغییر حسابداری به ۲۷ عدد رسیده، یعنی تغییر حسابداری از ۱۴٪ قبل تغییر مالکیت به ۲۶٪ در بعد از تغییر مالکیت افزایش یافته است.

نگاره شماره ۲: نتایج آمار توصیفی متغیرهای دوارزشی تحقیق

فراوانی عدد ۰		فراوانی عدد ۱		دوره	کمیت آماری متغیر
درصد	تعداد	درصد	تعداد		
۳۸٪	۳۰	۶۲٪	۶۵	قبل	نوع حسابرس AUDIT
۵۱٪	۵۳	۴۹٪	۵۲	بعد	
۸۶٪	۹۰	۱۴٪	۱۵	قبل	تغییر حسابرس AUDITCH
۷۴٪	۷۸	۲۶٪	۲۷	بعد	

با توجه به آمار توصیفی متغیرهای تحقیق و همچنین با توجه به پیش‌بینی تحقیق انتظار می‌رود مدل رگرسیونی و دیگر آزمون‌های آماری رابطه بین تغییر مالکیت (شامل میزان مالکیت) به عنوان متغیر مستقل و متغیرهای، اقلام تعهدی اختیاری به عنوان متغیر وابسته را تأیید نماید.

نگاره شماره ۳: نتایج آزمون فرضیه تحقیق

فرضیه ۲				فرضیه ۱				متغیر توضیحی
VIF	P - value	آماره t	ضریب β	VIF	P - value	آماره t	ضریب β	
-	-	-	-	۳,۷۲	۰,۰۰۰	-۸,۲۳	-۰,۱۷۸	OWNERSHIPCH تغییر مالکیت
۲,۳۴	۰,۱۲۰	-۴۹۶,۲	-۰,۰۴۳۰	-	-	-	-	OWNERSHIPCH% درصد تغییر مالکیت
۱,۲۳	۰,۰۲۳	۳,۰۹	۰,۰۱۸	۱,۴۸	۰,۱۳۰	۱,۶۵	۰,۱۲۳	AUDITCH تغییر حسابرس
۱,۹۸	۰,۳۸۰	۰,۴۷	۰,۱۹۲	۱,۲۶	۰,۳۶۵	۰,۷۶۲	-۰,۳۴۵	AUDIT نوع حسابرس
۱,۴۷	۰,۱۳۹	۱,۰۱	۰,۱۰۴	۱,۸۷	۰,۱۵۲	۱,۴۳۱	۰,۵۴۷	LEV اهرم مالی
۱,۸۲	۰,۰۹۱	-۱,۹۸	-۰,۰۰۱۲	۱,۵	۰,۰۱	۲,۸۸	۰,۰۵۹۴	MB ارزش بازار به ارزش دفتری
۱,۹۱	۰,۲۱۰	۰,۷۳۴	۰,۲۹۰	۱,۸۸	۰,۲۸	۱,۶۶	۰,۱۲۳	ROA بازده دارایی‌ها
۱,۱۱	۰,۰۴۴	۱,۰۱۲	۰,۲۵۱	۱,۱۸	۰,۲۱	۱,۲۳	۰,۰۰۴۲	Size اندازه شرکت
-	۰,۱۹۴	۱,۳۰۶	۰,۰۷۲۱	-	۰,۱۵۵	۱,۴۳۷	۰,۵۴۱	c ضریب ثابت
P=۰,۳۷ نتیجه، مدل تلفیقی		F=۱,۰۸		P=۰,۶۷۱ نتیجه، مدل تلفیقی		F=۰,۷۹۱		آزمون چاو، انتخاب بین مدل تلفیقی و اثرات ثابت
۱,۹۱	دوربین واتسون	۴,۶۵F=	۲,۱۱	دوربین واتسون	۸,۷۱	مقدار F فیشر		
۰,۲۲۰	R ² تعدیل شده	P-value ۰,۰۰۰	۰,۳۱	R ² تعدیل شده	۰,۰۰۰	P - value		

۷-۲- آمار استنباطی تحقیق

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل شماره (۱) استفاده شده است. استفاده از مدل رگرسیونی منوط به محقق شدن مفروضاتی است که برای تأیید آنها از آزمون‌های همخطی بین متغیرها (VIF) و و دوربین واتسون استفاده شده است. همچنین نرمال بودن توزیع متغیر وابسته و خطاها نیز به عنوان دیگر مفروضات کلاسیک رگرسیون بررسی و تأیید شده است. نتایج آزمون برای فرضیه‌های تحقیق در نگاره شماره ۳ ارائه شده است.

در نگاره فوق برای هر دو فرضیه شماره ۱ و ۲ با توجه به نتیجه آزمون چاو (بالا بودن مقدار P) از بین مدل تلفیقی و اثرات ثابت، مدل تلفیقی پذیرفته می‌شود، مقدار F بیانگر معنی داری کل هر دو مدل در سطح خطای ۱ درصد است. همچنین مقادیر آماره دوربین واتسون به ترتیب برابر ۲,۱۱ و ۱,۹۱ برای هر دو فرضیه تحقیق می‌باشد که بین ۱,۵ تا ۲,۵ می‌باشد، و ناهمبستگی (استقلال) خطاها را تأیید می‌نماید. اگر مقدار VIF کوچک‌تر از ۵ باشد همخطی بین متغیرها وجود ندارد. مقدار آماره VIF برای هر دو فرضیه این تحقیق عددی بین ۱,۱۱ و ۳,۷۲ می‌باشد و کمتر از ۵ است، که مؤید نبود همخطی بین متغیرهای تحقیق است.

در مورد فرضیه اول، نتایج نشان می‌دهد رابطه منفی معنی داری بین تغییر مالکیت و اقلام تعهدی اختیاری وجود دارد (ضریب $-0,178$ ، و احتمال $0,000$). این نتیجه مطابق با یافته‌های تحقیق است و فرضیه اول تحقیق را تأیید می‌کند.

رابطه بین تغییر حسابرس و اقلام تعهدی اختیاری با P-value برابر $0,123$ در سطح اطمینان ۹۵ درصد ۲۲ و همچنین رابطه بین نوع حسابرس و اقلام تعهدی اختیاری با ضریب بتای $-0,345$ و P-value برابر $0,365$ معنی دار نیست. رابطه بین متغیر ارزش بازار به ارزش دفتری با ضریب $0,059$ و مقدار آماره $0,01$ معنادار می‌باشد. اهرم مالی، نرخ بازده دارایی، اندازه شرکت و نیز با میزان احتمال‌های $0,0152$ ، $0,28$ ، $0,21$ و معنادار نمی‌باشند. R^2 تعدیل شده این مدل، 31% می‌باشد و بیانگر آن است که متغیر تغییر مالکیت 31% تغییرات اقلام تعهدی اختیاری را بیان می‌کنند.

پس از برآزش مدل رگرسیونی مرتبط با فرضیه دوم یافته‌های ذیل حاصل شده‌اند که به تفسیر هر کدام از آنها می‌پردازیم.

رابطه منفی معنی داری بین درصد تغییر مالکیت و اقلام تعهدی اختیاری وجود دارد (ضریب $-0,043$ و p -مقدار $0,012$). علامت منفی به این معنی است که هرچه درصد تغییر مالکیت افزایش یابد اقلام تعهدی اختیاری کاهش پیدا می‌کند. به بیان دیگر تغییر مالکیت‌هایی که با کنترل در واحد سرمایه پذیر همراه است (واگذاری بیش از ۵۰ درصد سهام شرکت) نسبت به واگذاری‌هایی که با نفوذ همراه است (واگذاری بین ۲۰ تا ۵۰ درصد سهام شرکت) بیشتر منجر به کاهش اقلام تعهدی می‌گردند. این نتیجه نیز مطابق با تحقیقات قبلی است، برای مثال چان و همکاران (۲۰۰۷) در تحقیق خود دریافتند که کاهش در میزان مالکیت دولتی و افزایش سهامداران نهادی باعث افزایش کیفیت حسابرسی در بازار سهام چین گردیده است. همچنین، بوشمن و همکاران (۲۰۰۴) نیز در تحقیق خود دریافتند که هرچه مالکیت (سهام) دولت بیشتر باشد، شفافیت مالی ضعیفتر

می‌شود.

رابطه بین تغییر حسابرس و اقلام تعهدی اختیاری با ضریب $0,018$ P-value برابر $0/023$ در سطح خطای ۵ درصد معنادار می‌باشد این موضوع می‌تواند به این دلیل باشد که حسابرس قبلی در سالهای پایانی تصدی خود، کوششی برای انجام حسابرسی‌های با کیفیت نداشته است.

رابطه بین نوع حسابرس و اقلام تعهدی اختیاری با ضریب $0,192$ و P-value برابر $0/380$ در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی دار نیست. اهرم مالی، نسبت ارزش بازار به دفتری و نرخ بازده دارایی نیز با میزان احتمال‌های $0,09$ ، $0,21$ ، $0,09$ ، $0,13$ معنادار نمی‌باشند. متغیر اندازه شرکت با احتمال $0,044$ با ضریب $0,251$ در سطح اطمینان $0,95$ ٪ معنادار می‌باشد. ارتباط مثبت بین اندازه شرکت و سطح اقلام تعهدی اختیاری، مطابق با یافته‌های اگروال و چندها (۲۰۰۵) می‌باشد. R^2 تعدیل شده این مدل، 20 ٪ می‌باشد و بیانگر آن است که متغیرهای درصد تغییر مالکیت سایر متغیرهای کنترلی 20 ٪ تغییرات اقلام تعهدی اختیاری را بیان می‌کنند. متغیرهای کنترلی معنی دار نمی‌باشند اما، حضور متغیرهای کنترلی باعث تقویت رابطه بین درصد تغییر مالکیت و اقلام تعهدی اختیاری می‌گردد.

۸- بحث و نتیجه گیری

پژوهش پیش از مطالعات اولیه در زمینه تأثیر تغییر مالکیت (خصوصی سازی) بر کیفیت حسابرسی می‌باشد. نتیجه تحقیق حاصل از پژوهش، فرضیه اول را مبنی بر ارتباط مستقیم بین تغییر مالکیت شرکت‌های دولتی و کیفیت حسابرسی را مورد تأیید قرار می‌دهد. بدین معنا که هر چه شرکت‌ها به سمت خصوصی سازی پیش بروند شاهد کاهش میزان اقلام تعهدی اختیاری هستیم که نشان از کیفیت بالای حسابرسی است، می‌باشیم. در واقع کیفیت حسابرسی در شرکت‌هایی که بیش از 20 درصد آن توسط سازمان خصوصی سازی و از طرف بورس اوراق بهادار تهران واگذار شده‌است در سطح بالاتری نسبت به قبل از آن قرار دارد. زیرا در شرکت‌های دولتی سطح کیفیت گزارشگری مالی محدود به قوانین و بخش نامه‌های تصویب شده از طرف مجلس شورای اسلامی و یا هیئت وزیران می‌باشد و شرکت‌های خصوصی شده تحت نظارت بیشتری توسط سهامداران عمده شرکت و همچنین سرمایه گذاران و مالکان آن است. و لذا مدیریت واحد تجاری برای جلوگیری از برکناری به ارائه گزارشگری مالی باسطح کیفیت بالاتر اقدام می‌نماید.

همچنین نتیجه تحقیق حاکی از، رابطه معکوس و معنادار بین میزان تغییر مالکیت و اقلام تعهدی اختیاری می‌باشد. که فرضیه دوم تحقیق را مورد تأیید قرار می‌دهد. بدین معنا که افزایش میزان مالکیت انتقال یافته از طرف سازمان خصوصی سازی باعث کاهش اقلام تعهدی اختیاری که شاخصی برای کیفیت بالای حسابرسی است، می‌شود وجود این رابطه می‌تواند نشان از نظارت مؤثر در دوره بعد از واگذاری باشد. از طرفی معناداری این رابطه در سطح ضعیف می‌تواند نشان از سیاست‌های اشتباه در روند واگذاری، عدم وجود نهادهای نظارتی که به نمایندگی از سهامداران پراکنده و جزء نظار بر عملکرد مدیران هستند، باشد.

رابطه مثبت و معنادار تغییر حسابرس با سطح اقلام تعهدی اختیاری می‌تواند دلایل متفاوتی داشته باشد یک دلیل ممکن برای افزایش سطح اقلام تعهدی اختیاری با تغییر حسابرس، عدم توافق مدیریت با حسابرس قبلی باشد. در این ارتباط باقرپور و همکاران (۲۰۱۴)۲۳ دریافتند که حسابرسان زمانی که برخلاف نظر مدیریت

بر استفاده از روشهای محافظه کارانه حسابداری که منجر به کاهش سود (اقلام تعهدی منفی) می‌شود؛ تاکید نمایند احتمال تغییر آنها افزایش می‌یابد. همچنین، ممکن است پس از عدم توافق حسابرس جدید با روشهای مورد تأیید حسابرس قبلی، به دلیل عدم آشنایی کافی نسبت به صاحبکار و صنعت مورد فعالیت، روشهای مورد نظر وی را بپذیرد. همچنین این نتیجه مطابق با یافته‌های چان و همکاران (۲۰۰۷)، می‌باشد. یافته‌های تحقیق آنها نشان می‌دهد که هر چه از سطح مالکیت دولت در شرکت‌ها کاهش یابد، تغییر حسابرس نیز افزایش یافته و تقاضا برای کیفیت بالاتر حسابداری بیشتر می‌شود.

مثبت بودن ضریب اندازه شرکت در مدل تحقیق احتمالاً با تئوری نمایندگی سازگار است. آنجا که بیان می‌دارد که هر چه پیچیدگی و تنوع شرکت و نیز اندازه شرکت افزایش پیدا کند، مسائل نمایندگی نیز افزایش می‌یابند و همچنین با بزرگ شدن شرکت احتمال مدیریت سود (افزایش در سطح اقلام تعهدی) افزایش می‌یابد، و در نتیجه باعث ایجاد نیاز بیشتر برای نظارت بر عملکرد مدیران از طریق حسابرس مستقل می‌شود. یافته‌های حاصل در مورد تأثیر نسبت بدهی یا اهرم بر سطح اقلام تعهدی نیز بیانگر این است که هر چه اهرم مالی شرکت بالاتر باشد سطح اقلام تعهدی اختیاری شرکت نیز افزایش می‌یابد و رابطه مثبتی بین اهرم مالی شرکت و اقلام تعهدی اختیاری است. این نتیجه با فرضیه قرارداد بدهی که توسط واتز و زیرمن ۲۴ بیان شد سازگاری دارد. طبق این فرضیه هر چه نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام بیشتر باشد احتمال استفاده مدیران از روش‌ها و رویه‌هایی که سود گزارش شده دوره آتی را به دوره جاری منتقل می‌کند، بیشتر است (واتز و زیرمن، ۱۹۸۶). این نتایج با نتایج تحقیقات پیشین مطابقت دارد. همچنین یافته‌های پژوهش مبین این است که میزان بازده دارایی‌ها (ROA) با سطح اقلام تعهدی اختیاری رابطه مستقیم دارد. زیرا وجود نوسانات زیاد در سودهای گزارش شده در شرکت تأثیر نامطلوبی بر رفتار تحلیل‌گران مالی دارد. لذا شرکت انگیزه و تمایل بیشتری برای هموار سازی سود از طریق دستکاری اقلام تعهدی اختیاری دارد.

نتایج این تحقیق همراستا با پژوهش‌های انجام شده، لئو و سابرانیم (۲۰۱۳)، گدامی و همکاران (۲۰۰۹)، چان و همکاران (۲۰۰۷)، وانگ و همکاران (۲۰۰۸)، بوشمن و همکاران (۲۰۰۴) می‌باشد. از طرفی، نتایج تحقیق برخلاف پژوهش‌های انجام شده توسط بورگستالر و همکاران (۲۰۰۶) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که شرکتهای خصوصی در مقایسه با شرکت‌های دولتی، مدیریت سود بیشتری دارند که این نشان دهنده کیفیت پایین حسابداری انجام شده می‌باشد. مجتهد زاده و اثنی عشری (۱۳۹۱) نیز در تحقیق خود رابطه مثبت معنادار بین عوامل حاکمیت شرکتی (مالکیت خصوصی) و کیفیت اقلام تعهدی شرکت‌های سابقاً خصوصی نشان دادند. همچنین و احمدفلاحی (۱۳۹۳) رابطه معناداری را بین کیفیت سود (اقلام تعهدی) در قبل و بعد از خصوصی سازی نیافتند.

اجرای موفق خصوصی سازی توجه بیشتر مسئولان به وضع قوانین و مقررات لازم و مهیا ساختن شرایط و زیر ساخت‌های لازم برای این امر مهم و همچنین استفاده از تجارب کشورهای موفق در این زمینه را می‌طلبد که بدین سبب با توجه به نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها، و به منظور بهبود شفافیت گزارشگری مالی و کاهش در مدیریت سود احتمالی، به عبارت دیگر، به منظور موفقیت در امر (خصوصی سازی) تغییر مالکیت در افزایش کیفیت حسابداری و گزارشگری مالی پیشنهاداتی به شرح ذیل ارائه می‌گردد.

۹- پیشنهادات مبتنی بر نتایج تحقیق

۹-۱- پیشنهادهای کاربردی

دولت با همکاری سازمان بورس اوراق بهادار و همچنین سازمان حسابرسي، مقررات و استانداردهایی را برای کنترل هر چه بهتر رفتار مدیریت شرکت‌های واگذار شده در انتخاب روش‌های متعدد حسابداری و مقررات دولتی که می‌تواند منجر به دستکاری و ارائه غیر واقعی سود شود، تدوین کند.

به سازمان بورس اوراق بهادار تهران پیشنهاد می‌شود که علاوه بر شاخص سودآوری شرکت در تصمیم‌گیری‌های شورای عالی بورس (مانند تصمیم‌گیری در مورد نحوه ورود شرکت‌ها به بازار بورس) شاخص‌های دیگری نظیر معیارهای کیفیت حسابرسي از جمله سطح اقلام تعهدی اختیاری را نیز در نظر بگیرد. زیرا، سود همواره در معرض دستکاری و تحریف قرار می‌گیرد.

۹-۲- پیشنهادات برای تحقیقات آتی

با توجه به نتایج پژوهش حاضر، پیشنهادهای ذیل برای پژوهش‌های آتی ضروری به نظر می‌رسد:

به دلیل اهمیت سیاست‌های کلی اصل ۴۴ پیشنهاد می‌گردد در تحقیقات دیگر، وضعیت اشتغال و بهره‌وری منابع انسانی و سرمایه شرکت‌ها بعد از واگذاری بررسی شود.

تکرار این پژوهش با استفاده از سایر معیارهای کیفیت حسابرسي نظیر تخصص صنعت حسابرسي، اندازه حسابرسي، تغییر حسابرسي و... بررسی وجود رابطه غیر خطی بین تغییر مالکیت و معیارهای کیفیت حسابرسي.

فهرست منابع

- ۱- بزرگ اصل، موسی؛ غفارپور، فرشید. (۱۳۹۱). «مقایسه الگوهای پیش بینی اقلام تعهدی برای تشخیص مدیریت سود». پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی. شماره ۱. صص ۴۹-۲۸.
- ۲- احمد فلاحی، نیکو. (۱۳۹۳). «کیفیت سود در قبل و بعد از خصوصی سازی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران». پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه ساری.
- ۳- مجتهدزاده ویدا و آقایی پروین، (۱۳۸۳). «عوامل مؤثر بر کیفیت حسابرسي مستقل از دیدگاه حسابرسان مستقل و استفاده کنندگان»، بررسی‌های حسابداری و حسابرسي، شماره ۳۸، صص ۷۶-۵۳.
- ۴- مجتهدزاده، ویدا و اثنی عشری، حمیده. (۱۳۹۱). «رابطه کیفیت سود با نظام راهبري شرکتی و اصلاح قوانین و مقررات در شرکت‌های دولتی واگذار شده از طریق خصوصی سازی». تحقیقات حسابداری و حسابرسي، شماره ۱۵، صص ۴۲-۵۹.

1. Agrawal, A and Chandha, S. (2005) "Corporate governance and accounting scandals", SSRN Working Papers Series.

2. Asbaugh, H., LaFond, R. and Mayhew, B. (2003), "Do non-audit services compromise audit independence? Further Evidence", Accounting Review 78, 611-639

3. Azibi, J., Tondeur, H. and Rajhi, M., (2010). "Auditor choice and institutional investor characteristics after the Enron scandal in the French context", *Crises et nouvelles problématiques de la Valeur*, Nice: France. 53. 89–103.
4. Bagherpour, M; Monroe, G.S; and Shailer, G. (2014). "Government and managerial influence on auditor switching under partial privatization", *J. Account. Public Policy*.
5. Burgstahler, D. C.; Hail, L. & Leuz, C. (2006). "The Importance of Reporting Incentives: Earnings Management in European Private and Public Firms", *The Accounting Review*, Vol. 81, No. 5, 983–1016.
6. Bushman, R., Piotroski, J. Smith, A., 2004. What determines corporate transparency? *Journal of Accounting Research* 42, 207-252.
7. Challen, Auliffi Ermian & Siregar, Sylvia Veronica (2012). "Audit Quality on Earnings Management and Firm value". *Finance and Banking Journal*, Vol. 14 No. 1, pp.30-43
8. Chan, K. Hung. Lin, Kenny Z and Zhang Fang (2007). "On the Association between Changes in Corporate Ownership and Changes in Auditor Quality in a Transitional Economy" *Journal of International Accounting Research*. Vol. 6, No. 1, pp. 19–36
9. Davidson, R. A. and D. Neu. (1993). A note on the association between audit firm size and audit quality. *Contemporary Accounting Research* (Spring): 479–488.
10. DeAngelo, L.E. (1981a). "Auditor Size and Audit Quality", *Journal of Accounting and Economics*. Vol. 3, No. 3, 183-199.
11. Gomez, X.; Okumura, M., and Kunimura, M. (2000). "Discretionary accrual models and the accounting process". *Kobe Economic & Business Review*, 45: pp.103-135.
12. Guedhami, O. and J. A. Pittman. (2006). "Ownership concentration in privatized firms: The role of disclosure standards, auditor choice, and auditing infrastructure." *Journal of Accounting Research* 44: pp 889-929.
13. Guedhami, Omrane, Jeffrey A. Pittman, Walid Saffar. (2009). "Auditor Choice in Privatized Firms: Empirical Evidence on the Role of State and Foreign Owners". *Journal of Accounting and Economics*, Volume 48, Issues 2–3, Pages 151-171.
14. Hanwen, Chen, Jeff, Z. Chen, Gerald, Lobo and Yanyan, Wang. (2008). "Effects of Audit Quality on Cost of Equity Capital and Earnings Management:

Evidence from China”. Vol. 22No. 1,pp.20-33.

15.Jensen, M.C., and Meckling W.H., (1976). “Theory of the firm: managerial behavior, agency costs and ownership structure”, Journal of Financial Economics (October): 305- 360.

16.Krishnamurthy, S., J. Zhou, and N. Zhou. (2002). Auditor reputation, auditor independence and the stock market reaction to Andersen’s clients SSRN Working paper.

17. Krishnan, J. and P.C. Scheuer (2000) “The Differentiation of Quality Among Auditors: Evidence from the Not – for – Profit Sector Auditing”, A Journal of Practice and Theory, Vol. 19, No.2, pp. 9-14.

18.Liu,Li. Subramaniam, Nava. (2013).” Government ownership, audit firm size and audit pricing: Evidence from China / J. Account. Public Policy.NO.32. PP 161–175

19.Mahdavi, Gh., Monfared Maharlouie, M., Ebrahimi, F.and Sarikhani, M., (2011).” The Impact of Corporate Governance on Auditor Choice”, International Research Journal of Finance and Economics, ISSN 1450-2887 Issue 68

20.Palmrose Z., (1988). “An analysis of auditor litigation and audit service quality”, The Accounting Review (January):55-73.

21.Romanus, R.N., Maher, J., and Fleming, J. (2008), “Auditor industry specialization, auditor changes, and accounting restatements”, Accounting Horizons, Vol. 22, pp. 389-413.

22.Titman, S, and B. Trueman, 1986, “Information Quality and the Valuation of New Issues”, Journal of Accountig and Economics,Vol. 5, No. 2, pp. 159-172.

23.Ung D. (2009). “Earnings Management Surrounding CEO changes in the Netherlands”, Master Thesis, Erasmus University Rotterdam, Erasmus School of Economics. Vol. 14 No. 1,pp.30-43

24.Wang Qian, Wong. T.J and Lijun Xia. (2008). State ownership, the institutional environment, and auditor choice: Evidence from China. Journal of Accounting and Economics: 1-23.

25.Watts, R., and J. L. Zimmerman. (1986). Positive accounting theory Prentice Hall. Englewood Cliffs (NJ).

26.Zureigat, Q. M(2011).” The Effect of Ownership Structure on Audit Quality: Evidence from Jordan” International Journal of Business and Social Science, Vol. 2 No. 10; June 2011.pp 38-47.